



A Semantic Analysis of the Term *Ālā'* in the Holy Qur'ān: The Case of Sūrat al-Raḥmān

Seyyed Mahmood Tayyebhoseini^{a*}

^aQuranic Studies Group, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. Email: tayebh@rihu.ac.ir

KEYWORDS

Ālā',
Sūrat al-Raḥmān,
Structural Semantics,
Thematic Exegesis (Tafsīr
Mawḍū'ī),
Divine Favors.

ABSTRACT

The term *ālā'* is a relatively frequent Qur'ānic vocable that appears exclusively in this plural form. While classical exegetes and lexicographers predominantly maintain that *ālā'* is the plural of *aly*, *ilā*, or *alan* and denotes "blessings" or "bounties," lexicographical sources provide no decisive consensus regarding its precise singular form, nor do they furnish conclusive linguistic evidence to corroborate this standard derivation. A preliminary examination of Sūrat al-Raḥmān—wherein *ālā'* recurs thirty-one times—further casts doubt on this conventional reduction to ordinary "blessings." Accordingly, this study applies a structural semantic and thematic exegetical method to determine the critical semantic value of *ālā'* across lexicographical usage, classical Arabic poetry, and the Qur'ānic corpus, evaluating the extent to which traditional exegetical consensus reflects actual textual usage. An exhaustive analysis of Arabic lexicons and the immediate contexts (*siyāq*) of the thirty-four Qur'ānic verses containing *ālā'* reveals that the term can rarely be interpreted as mere generic blessings. Rather, it signifies monumental bounties, wondrous divine grace, manifestations of divine omnipotence and subjugation—especially through the annihilation of tyrannical individuals and dominant nations—and the infliction of worldly chastisement on oppressors and eschatological punishment on sinners, alongside denoting exalted divine attributes. Furthermore, select traditions from the Infallibles (AS) corroborate this wider semantic range, affirming *ālā'* as wondrous divine favors, sublime divine qualities, and supreme blessings, foremost among which is the grace of *wilāyah*.

معناشناسی واژه آلاء در قرآن کریم (با تأکید بر سوره الرحمن)

سید محمود طیب حسینی^{الف*}

الف گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. ایمیل: tayebh@rihu.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
یکی از واژه‌های قرآنی با کاربرد نسبتاً زیاد، واژه «آلاء» است که تنها به همین شکل به کار رفته است. تلقی عموم مفسران و لغویان این است که واژه «آلاء» جمع «ألی»، «ألا»، و نظیر اینها است و به معنای «نعمتها» است و با این حال در لغت اطمینان کاملی به اینکه واژه یادشده جمع «إلی» یا «ألا» باشد وجود ندارد و شواهد زبانی روشن و اطمینان بخشی هم برای آن ذکر نشده است، مرور بدوی سوره رحمان با ۳۱ بار تکرار «آلاء» نسبت به معنای یادشده تردید ایجاد می‌کند، از این رو در مقاله حاضر به منظور تحقیق در معنای این واژه، با روش توصیف و تحلیل معناشناختی ساختارگرا، و تفسیر موضوعی در صدد پاسخ به این سؤال برآمده است که با توجه به کاربردهای لغت و قرآن کریم، معنای تحقیقی «آلاء» چیست؟ و دیدگاه مفسران و لغویان تا چه اندازه قابل دفاع و به کاربرد آن در اشعار عربی و قرآن کریم سازگار است؟ با بررسی که در کتابهای لغت و سیاق آیات ۳۴ گانه مشتمل بر «آلاء» انجام گرفت، این نتیجه حاصل شد که این واژه به ندرت قابل تفسیر به «نعمتهای الهی» است، و در معنای نعمتهای بزرگ، الطاف شگفت‌انگیز الهی، غلبه و قدرت‌نمایی خداوند، به ویژه در هلاکت افراد و اقوام بسیار قدرتمند، نزول عذاب در دنیا بر اقوام ستمگر و در آخرت بر گناهکاران و احتمالاً خصال نیک و بزرگ الهی به کار رفته است. برخی احادیث معصومان (ع) نیز معنای الطاف شگفت‌انگیز الهی، خصال نیک و نعمتهای عظیم الهی - شامل نعمت ولایت - را تأیید می‌کند.	آلاء، سوره الرحمن، معناشناسی ساختاری، تفسیر موضوعی، نعمتهای الهی. تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۴

البحث في معنى كلمة "آلاء" في القرآن الكريم (مع التركيز على سورة الرحمن)

سید محمود طیب حسینی^أ

^أ: مجموعة الدراسات القرآنية، معهد أبحاث الحوزة والجامعة، قم، إيران. البريد الإلكتروني: tayebh@rihu.ac.ir

الكلمات المفتاحية:	الملخص
آلاء، سورة الرحمن، الدلالة النبوية، التفسير الموضوعي، النعم الإلهية. تاريخ الاستلام: ١٤٠٥/٠٢/٢٤ تاريخ المراجعة: ١٤٠٥/٠٣/٢٥ تاريخ القبول: ١٤٠٥/٠٤/٢٤	من الكلمات القرآنية الأكثر استخدامًا كلمة "علاء"، التي وردت بهذا المعنى فقط. ويرى معظم المفسرين واللغويين أن كلمة "علاء" هي جمع "علي" و"على" وما شابه، وتعني "بركاتها". إلا أنه لا يوجد تأكيد قاطع في المعاجم على أن هذه الكلمة هي جمع "علي" أو "على"، ولم يُذكر دليل لغوي واضح ومؤكد على ذلك. وقد أثارت مراجعة أولية لسورة الرحمن، التي تكررت فيها كلمة "علاء" ٣١ مرة، شكوكًا حول هذا المعنى. لذا، في هذه المقالة، وللتحقق من معنى هذه الكلمة، استُخدمت منهجية الوصف والتحليل الدلالي النبوي، والتفسير الموضوعي، للإجابة على السؤال التالي: ما هو المعنى البحثي لكلمة "علاء" وفقًا لاستخداماتها في المعاجم والقرآن الكريم؟ وإلى أي مدى يمكن الدفاع عن رأي المفسرين واللغويين، ومدى اتساقه مع استخدامه في الشعر العربي والقرآن الكريم؟ بعد دراسة الكتب المعجمية والسياقية للآيات الأربع والثلاثين التي وردت فيها كلمة "علي"، خلص إلى أن هذه الكلمة نادرًا ما تُفسَّر بمعنى "النعم الإلهية"، وإنما تُستخدم بمعنى النعم العظيمة، والفضل الإلهي العظيم، والنصر، وإظهار قدرة الله، لا سيما في هلاك الأفراد والأمم القوية، ونزول العقاب في الدنيا على الأمم الظالمة، وفي الآخرة على العصاة، وربما بمعنى صفات الله الحسنة والعظيمة. كما تؤكد بعض أحاديث المعصومين (عليهم السلام) معنى الفضل الإلهي العظيم، والصفات الحسنة، والنعم الإلهية العظيمة، بما في ذلك نعمة الحماية.

بیان مسأله

یکی از دانش‌هایی که امروزه کاربرد زیادی در تفسیر قرآن کریم دارد، و نقش یگانه خود را در نوآوریهای تفسیر به نیکویی نشان داده دانش معناشناسی است. اگرچه دانش معناشناسی با مکاتب گوناگونش در تفسیر قرآن نقش مطلوبی داشته است، (برای آشنایی با مکاتب مختلف معناشناسی نک: پاکتچی، ۱۳۸۷، ۳: ۹۱-۱۱۶) استفاده از دانش معناشناسی در تفسیر قرآن کریم در ایران، عمدتاً متأثر از روش ایزوتسو و ترجمه دو کتاب مشهور او (خدا و انسان در قرآن، و مفاهیم اخلاقی در قرآن کریم) بوده است. روش ایزوتسو در معناشناسی واژگان قرآن، ریشه در مکتب ساخت‌گرایی دارد که بنیانگذار آن سوسور شناخته می‌شود (نک: ربیعی آستانه، ۱۳۸۳، ۳۷ و ۳۸). مکتب ساخت‌گرایی در دو حوزه معناشناسی تاریخی یا در زمانی (مطالعه تغییرات معنا در طول زمان) و مطالعه همزمانی یا توصیفی (توصیف معانی مختلف یک واژه در کاربردهای مختلف) به معناشناسی کلمات می‌پردازد (نک: پالمیر، ۱۳۷۴: ص ۲۹-۳۵)

از آنجا که پایه پژوهشهای زبان‌شناسی؛ مطالعات واژه و بررسی پیدایش، تحول، معنا و کاربردهای آن در معانی مختلف است، و همین موضوع نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن ایفا می‌کند (نک: سجادی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱: ۶۱) تحقیق در معنای کلمات قرآن و معناشناسی آنها، به منظور تفسیر صحیح قرآن، ضرورتی مضاعف پیدا می‌کند. یکی از کلمات پربسامد قرآن کریم، واژه آلاء است که ۳۴ بار در قرآن کریم آمده است، دو بار در سوره اعراف، یک بار در سوره نجم و بیشترین کاربرد آن با ۳۱ بار بسامد در سوره رحمان تکرار شده است: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱۳) همه مترجمان قرآن، آلاء را آیات یادشده به نعمتها ترجمه کرده‌اند. مثلاً در ترجمه آیه یادشده در سوره رحمان آمده است: پس ای جنیان و انسیان، کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ (یا: دروغ می‌شمارید؟)

در ترجمه آیه سوره نجم آمده است: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى» (نجم: ۵۵)؛ حال [ای انسان] در مورد کدام یک از نعمت‌های پروردگارت تردید روا می‌داری؟!

به همین صورت دو آیه اعراف نیز به نعمتها ترجمه شده است:

«أَوْ عَجِزْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَادُّرُّوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (اعراف: ۶۹)

«وَادُّرُّوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۷۴)

آیه ۶۹ خطاب خداوند به قوم عاد را که بعد از قوم نوح آمدند، گزارش می‌کند و آیه ۷۴ خطاب خداوند به قوم ثمود را که بعد از قوم عاد آمدند.

مفسران نیز به اتفاق نظر «آلاء» را به نعمتها معنا کرده‌اند و هیچ تفسیر دیگری از این واژه بیان نشده، بالتبع هیچ اختلاف نظری در تفسیر این آیه شریفه دیده نمی‌شود. با وجود اتفاق نظر مفسران در معنا و تفسیر واژه «آلاء» در قرآن کریم، یک چیز موجب تردید در معنای بیان شده برای این واژه می‌گردد و آن این است که معنا و تفسیر یاد شده تا حدود زیادی مورد تأیید سیاق آیاتی که این واژه در آنها به کار رفته است نمی‌باشد. مثلاً در آیه ۱۴ و ۱۵ سوره الرحمان از خلقت انسان از گلی خشک همچو سفال و خلقت جن از شعله‌ای از آتش یاد کرده و سپس بیان کرده شما انس و جن کدام یک از «آلاء» پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱۴-۱۶) قابل انکار نیست که خلقت انسان و جن از بزرگترین نعمتهای الهی به این دو موجود است، اما در آفرینش آن دو از سفال یا شعله

آتش، چه خصوصیتی از جهت نعمت بودن نهفته است که در آیه شریفه جن و انس را به آن توجه می‌دهد؟ و یا در آیات ۲۶ و ۲۷ از فناء همه موجودات در این عالم و بقای ذات صاحب جلالت و کریم خدا خبر داده سپس از آلاء بودن آن برای انس و جن خبر داده است. سوال این است که در فناء موجودات چه نعمتی برای بشر نهفته است که آن را آلاء شمرده است؟ (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَتَّبِعُ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ). یا در آیه ۳۱ سوره انس و جن را تهدید کرده که به زودی به حساب آنها خواهد رسید، و به دنبال آن انس و جن را مخاطب ساخته که کدام یک از آلاء پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ (سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)

در آیه ۳۳ می‌گوید ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید تا از مرگ و مجازات خدا برهید، گذر کنید، اما شما قادر به گذر از آن نخواهید بود، مگر با نیرویی عظیم که آن هم در اختیار شما نیست. این آیه شریفه نیز به نعمتهایی بزرگ برای انس و جن اشاره ندارد. دست کم حتی اگر در این مسأله هم نعمتهایی نهفته باشد، اما برای انسان نعمت بودن آن آشکار نیست.

روشن‌تر از این آیات گذشته، آیات ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳ و ۴۴ است، که نه تنها به نعمتهای الهی به جن و انس اشاره ندارد، بلکه از حوادث قیامت و حسابرسی به اعمال گناهکاران و عذاب آنان در جهنم خبر داده و در پس هر آیه‌ای انسان و جن را توجه می‌دهد که کدام یک از نعمتهای الهی را تکذیب می‌کنند: آن هنگام که آسمان بشکافد و همچون چرم سرخ گردد و رستاخیز فرارسد (۳۷)، در آن روز از گناه انس و جن سؤال نمی‌شود (۳۹)؛ چراکه گناهکاران از چهره‌هایشان آشکار است گناهکار بوده‌اند، و با گرفتن موهای جلو سرشان و قدم‌هایشان آنان را به سوی دوزخ می‌رانند (۴۱) و اینک آنان میان آن جهنم و ابی جوشان دور می‌زنند (۴۴).

سؤال این است که این آیات که ۳۱ بار در سوره الرحمان تکرار شده است، چه نسبتی با نعمتهای الهی دارد که در پس ذکر هر یک از آنها انس و جن را مخاطب ساخته که کدام یک از آلاء پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ و دروغ می‌انگارید و آنها را انکار می‌کنید؟

این سؤالات ایجاب می‌کند که ارتباطی روشن میان آیات یاد شده با نعمتهای الهی بیان شود، یا آنکه اساساً آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بیگانه از آیات قبلش تحلیل شود و یگوئیم این آیه از سایر آیات الهی و تکذیب و انکار آنها توسط انس و جن سخن می‌گوید. راه سوم آن است که در معنای «آلاء» بازاندیشی صورت گیرد. مقاله حاضر با روش توصیف و تحلیل آیات شریفه و با تأکید بر معناشناسی توصیفی، و تلفیق روش سنتی در مطالعات اسلامی و بهره‌گیری از روش ایزوتسو تلاش می‌کند به سؤال یادشده پاسخ دهد.

پیشینه. تحقیق مستقلی در این موضوع یافت نشد.

تحلیل «آلاء» در لغت

لغویان با اتفاق نظر واژه «آلاء» را جمع دانسته‌اند، اما در مورد ریشه و مفرد آن بر یک نظر نیستند. ریشه آن را هم «ألی» و هم «ألو»، یعنی ناقص یایی و واوی هر دو را گفته‌اند و در مورد مفرد آن این احتمالات داده شده است: «ألی» مانند حبر و جمع آن أحبار، «ألو» مانند دلو و أدلاء، «إلی» مانند معی و أمعاء، «ألی» و «ألا» مانند رَحَا و أَرْحَاء (نک: زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۹: ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۵: ۳۰۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۳۵۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۲۰، «ألی»)

نکته مهم آنکه کاربرد روشنی از مفرد «آلاء» در اشعار برجای مانده جاهلی گزارش نشده است. تنها در یک بیت از اعرشی، شاعر جاهلی نقل شده که در آن واژه «إلی» به کار رفته است:

أبيض لا يهرب الهزال و لا
يقطع رحما و لا يخون إلى

(ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۴۳)

ابن سیده احتمال داده است که واژه «إِلَى» در مصرع دوم مفرد «آلاء»، و «یخون» نیز به معنای «يَكْفُرُ» باشد و احتمال دارد که «إِلَى» مخفف «إِلَالٍ» باشد به معنای عهد و پیمان و «یخون» به معنای خودش (خیانت کردن). (ابن سیده، ۱۴۲۱، ۱۰: ۴۴۲، «ألو» مفسران نیز، اغلب، همین بیت را به عنوان شاهی برای مفرد «آلاء» یاد کرده‌اند. (برای نمونه نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۶۷۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۲: ۴۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۴: ۳۰۲)

ابن انباری (د ۳۲۸ق) نحوی و لغوی سده چهارم گفته است که اگر مفرد «آلاء» را «إِلَى» بگیریم، اصل آن «وَلَا» و اگر مفرد آن را «أَلَا» بگیریم، ریشه آن «وَلَا» بوده است. (نک: زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۱۶۶). اختلافات دیگری هم که در باره ریشه و مفرد این واژه، نقل شده و اینکه کدام یک از وزن‌های مفرد آن مشهور یا غیر معروف است، (نک: زبیدی، همانجا) همه حکایت از ناشناخته بودن مفرد این کلمه در نزد لغویان و نحویان است. واژه «آلاء» در اشعاری از جمله شعری از نابغه ذبیانی نقل شده و واژه «نَعَم» به آن عطف شده است:

هُمْ الْمَلُوكُ وَ أَبناءُ الْمُلُوكِ هُمْ فَضَّلُ عَلَى النَّاسِ فِي الْأَلَاءِ وَ النَّعَمِ

(ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۴۴)

لغویان احتمالاً به قرینه عطف «نَعَم» بر «آلاء»، این واژه را هم به معنای نعمتها دانسته‌اند تا از قبیل عطف مترادفین باشند. (نک: زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۹: ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۵: ۳۰۹، «ألی»)

تا اینجا از سخن لغویان در باره «آلاء» سه نتیجه حاصل می‌شود: ۱. همه آنان «آلاء» را به معنای نعمتها (النعم) دانسته‌اند، ۲. در باره ریشه و مفرد این کلمه احتمالات مختلفی داده و سخن اطمینان بخشی بیان نکرده‌اند، ۳. از کاربرد مفرد آن در شعر جاهلی، تنها یک بیت از اشعی نقل شده که در باره آن نیز صرفاً احتمال داده‌اند که مفرد «آلاء» باشد، آنهم با تصرف در معنای واژه دیگر شعر (لا یخون) و تأویل آن به «لا یكفر»، در حالی که معنای دوم احتمالی (عهد و پیمان) با معنای بیت سازگارتر است.

در کتابهای لغت برای برخی مشتقات «ألی» معانی ای بیان شده که قابل درنگ است، اگرچه هیچ یک از لغویان میان آن مشتقات و واژه «آلاء» ارتباط برقرار نکرده‌اند. واژه «ألیة» از همین ریشه، به معنای دنبه گوسفند است، و هنگامی که دنبه گوسفندی خیلی بزرگ باشد گویند: «ألی الکبش». و «کبش ألیان» و «نعجة ألیانة» به گوسفندی گویند که دنبه اش خیلی بزرگ باشد، که معمولاً تعجب برانگیز است. (موسی، ۱۴۱۰، ۱: ۷۵)

نیز «آلاء» در لغت به درختی گویند که با برگ و میوه نرم آن پوست را دباغی می‌کنند و در تمام فصول سال، زمستان و تابستان سبز است. (ازهری، ۱۴۲۱، ۱۵: ۳۰۸، «ألی») مطابق نقل ابن سیده، «آلاء» نوعی درخت همیشه سبز است که در ریگزار می‌روید و میوه آن را تا زمانی که تازه است می‌خورند، و هنگامی که خشک و قابل خوردن شود، با آن پوست را دباغی می‌کنند. (ابن سیده، ۱۴۲۱، ۱۰: ۴۴۲، «ألی»). نیز گفته‌اند: «آلاء» به معنای خصلتهای صالح می‌باشد. (صاحب، ۱۴۱۴، ۱۰: ۳۷۲، «ألی»). حال اگر فرض بگیریم، واژه «آلاء» از «ألاء» گرفته شده باشد، باید در آن معنای شگفت‌انگیز نهفته باشد، زیرا هر درخت با ویژگیهای یاد شده، یا خصال نیک انسانها، برای عربی که در بیابانهای خشک حجاز زندگی می‌کرده احتمالاً شگفت‌انگیز می‌نموده است، از این رو «آلاء» را در معنای امور یا کارهای خیلی شگفت‌انگیز به کار برده‌اند، و اگر فرض بگیریم که «آلاء» از «إلیة» گرفته شده باشد، در آن معنای عظمت و بزرگی نهفته است، بنابر این، «آلاء» به معنای امور بسیار با عظمت خواهد بود. نکته‌ای که از چشم لغویان و مفسران مغفول مانده است.

بازاندیشی در معنای «آلاء»

با توجه به بررسی ریشه و معنای «آلاء» در لغت، فهم این واژه به ویژه در قرآن کریم نیازمند تحقیق و بازاندیشی است. با توجه به این که کتابهای لغت و تفاسیر داده بیشتری جز آن چه ذکر شد در باره معنای «آلاء» به ما نمی‌دهد، برای این بازاندیشی باید از خود قرآن کریم و سیاق آیاتی که این واژه در آنها به کار رفته است کمک گرفت. به نظر برخی قرآن پژوهان معاصر، متن قرآن باید منبع اصلی در تعیین معنای قرآن باشد (نک: آقای، ۱۳۸۸، ۱۴۴: ۷۳) بنابراین برای فهم کلمات قرآن کریم، خود قرآن کریم باید به عنوان یک منبع اصیل و مهم در نظر گرفته شود و آخرین سخن در تعیین معنای واژه قرآنی را باید از خود قرآن کریم دریافت کرد. امین خولی نواندیش معاصر مصری نیز در طرح تفسیر خود یکی از اصول تفسیر ادبی را این دانسته است که برای شناخت معنای کلمات قرآن، بعد از مراجعه به لغت و کشف معنای اصلی واژه قرآنی از طریق استخراج معانی حسی و رصد تحولات رخ داده در معنای کلمات، باید به متن قرآن مراجعه و با تدبر در کاربردهای مختلف آن واژه در قرآن و سیاق آیات، و معنای نهایی واژه را از قرآن کریم گرفت. وی در این باره چند نکته، بلکه گام مهم را برای شناخت معنای دقیق کلمات قرآن کریم معرفی می‌کند که توسط پژوهشگر باید طی شود:

«یکم: مفسر برای شناخت واژگان قرآن باید تحولات تدریجی الفاظ و نیز تأثیرات متفاوت روانی و اجتماعی و تمدن ساز عربی که الفاظ در سیر تدریجی خود به دنبال داشته‌اند را شناسایی و مشخص کند.

دوم: الفاظ را مطابق همان زمان که ظهور یافته و مطابق اولین باری که پیامبر (ص) برای اطرافیانش تلاوت کرده بفهمد. سوم: معجم‌های لغت موجود، نه می‌تواند مفسر را به سیر تدریجی واژگان آشنا سازد، و نه می‌تواند معنای عصر نزولی واژگان را به دست دهد. (نک: خولی، بی‌تا، ۵: ۳۷۰-۳۷۱)

چهارم: با توجه به نارسایی معجم‌های لغت مفسر باید با بهره‌گیری از معجم‌ها برای تشخیص معنای واژگان عمدتاً بر اجتهاد خودش تکیه کند، هر چند این تلاش موقتی و نارسا باشد، اما تا تدوین یک قاموس لغت اشتقاقی مشتمل بر تحول تدریجی دلالت الفاظ و تشخیص معانی لغوی، ناگزیر از آن هستیم. باید توجه داشت که در اصطیاد معنای اصلی الفاظ قرآن لازم است همان دلالت لغوی اصیلی را که حس و ذوق عربی به ما می‌بخشد پی جویی کنیم، و از طریق کاربردهای مادی و مجازی لفظ به معنای اصلی لفظ دست پیدا کنیم.

پنجم: پس از به دست آوردن معنای لغوی واژه و تحولات آن، باید به مطالعه درباره معنای استعمالی آن در قرآن کریم منتقل شد. برای این کار باید همه موارد آن کلمه در قرآن کریم استقرا، سپس آیات مشتمل بر آن واژه به ترتیب نزول مرتب و بررسی شود، که آیا آن واژه در همه دوره‌های نزول قرآن و مناسبات و مقتضیات مختلف و متغیر دارای یک معناست و یا در معانی متعددی استعمال شده است؟ بدین طریق مفسر به معنا یا معانی قرآنی آن واژه راه یابد و با اطمینان آن واژه را در جایگاه مخصوصش در هر آیه تفسیر کند. (نک: بنت الشاطی، بی‌تا، ۱: ۱۱)

ششم: در فهم معنای واژه سیاق آیات را داور قرار داده و در تعیین معنای مقصود آیه باید بیشترین استفاده را از سیاق ببرد. در توضیح نکته ششم باید گفت که برای فهم اسرار یک تعبیر در قرآن کریم از طریق سیاق، لازم است به آنچه نص و روح آیه آن را احتمال می‌دهد پایبند بمانیم، سپس اقوال مفسران را بر معنای برآمده از نص عرضه بداریم و تنها دیدگاهی را بپذیریم که نص آیه‌پذیرای آن باشد، و از اسرائیلیات و آرای نادرست و تأویل‌های بدعت آمیز که از روی دسیسه در لابه‌لای کتب تفسیر جای داده شده دوری می‌کنیم. (همانجا؛ نیز: طیب حسینی، ۱۳۸۷، ۹۹: ۳۷-۴۰) فراهی (۱۳۴۳ق/۱۹۳۰م) از مفسران شبه قاره نیز براین باور است که برای شناخت معنای کلمات قرآن، که زیربنای تفسیر می‌باشد، باید مستقیماً به کلام عرب و خود قرآن کریم مراجعه کرد. به نظر وی کتابهای لغت در این باره نمی‌توانند نیاز کامل ما را در شناخت معنای صحیح همه کلمات قرآن برآورده کنند. حتی کتابهای لغت، اغلب میان معنای خالص و اصیل کلمات عربی، متعلق به دوره جاهلی، و معنای رایج در عصر مودون، یعنی دوره عباسیان، که دوره تحول در زبان عربی است، جدا نکرده است. بنابراین کسی که با کلام عرب ممارست نرزد و در شرح کلمات قرآن، به کتب لغت اکتفا کند، به فهم صحیح بعضی از معانی قرآن کریم راه نخواهد برد. (نک: فراهی، ۲۰۰۲، مقدمه محقق: ۵۱)

با توجه به نکاتی که بیان شد، پس از بررسی معنای واژه «آلاء» در فرهنگ و کلام عرب، در ادامه براساس اصل یادشده، خود قرآن کریم را محور بررسی معنای «آلاء» قرار می‌دهیم. برای این منظور ابتدا کاربردهای این واژه را به ترتیب نزول تنظیم می‌کنیم. اگر برای ترتیب نزول به روایت مشهور عطای خراسانی از ابن عباس، که صحیح‌ترین روایت ترتیب نزول شمرده شده است و طبری در مجمع البیان، و زرکشی در البرهان فی علوم القرآن فقط این روایت را نقل کرده‌اند، اعتماد کنیم، ترتیب سوره‌ها چنین خواهد بود: ۱. نجم، با رتبه ۲۳، ۲. اعراف، با رتبه ۳۹، ۳. رحمان، با رتبه ۹۷. در سوره نجم یک‌بار و در سوره اعراف دوبار واژه «آلاء» آمده است:

«فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى» (نجم: ۵۵)؛ حال [ای انسان] در مورد کدام یک از آلاء پروردگارت تردید روا می‌داری؟!

این آیه شریفه در سیاق آیاتی قرار گرفته است که از نزول عذاب الهی بر اقوام عاد، ثمود، نوح و لوط و نابود کردن آنها خبر داده است: «وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ وَ ثَمُودَ فَمَا أَتَّبَعِي وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَىٰ وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى» (۵۰-۵۴)؛ و این که اوست که قوم هود، عاد نخستین را به عذاب هلاک ساخت، و نیز قوم ثمود را، و هیچ‌یک از کافران آن قوم را باقی نگذاشت، و قوم نوح را نیز پیش از عادیان و ثمودیان نابود کرد، و شهرهای زیرو زبرشده قوم لوط را درهم فرو ریخت، و بر آنها پوشانید عذابی را که پوشانید.

آیات قبل‌تر از آن نیز در باره برخی افعال و نشانه‌های ویژه خداوند سخن می‌گویند:

«أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ وَ أَعْطَىٰ قَلِيلًا وَ أَكْدَىٰ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ أَمْ لَمْ يُلَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ أَلَّا تَرَىٰ ذُرِّيَّةَ وَارِدٍ وَرَأَىٰ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَىٰ ثُمَّ يُخْرَجُهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَىٰ وَ أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَ أَبْكَىٰ وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا وَ أَنَّهُ خَلَقَ الرَّجُلَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ وَ أَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَقْنَىٰ وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ» (۳۳-۴۹)؛ اینک به من خبر ده، از آن کس که از انفاق روی گردانید، و اندکی از مال خود را در راه خدا داد و سپس از آن هم دریغ ورزید، آیا علم غیب نزد اوست و آینده خود را می‌بیند که اگر انفاق کند تهیدست می‌شود؟ آیا علم غیب نزد اوست و آینده خود را می‌بیند که اگر انفاق کند تهیدست می‌شود؟ مگر او را به آن پندها و حکمت‌ها که در نوشته‌های نازل شده بر موسی (تورات) است، آگاه نکرده‌اند؟ آیا او را به آنچه در کتاب‌های نازل شده بر ابراهیم است، آگاه نکرده‌اند؟ آیا در آنها این حقیقت نیامده است که هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد؟ پس چگونه سخن آن کس را که گفت: تو انفاق مکن، من گناهانت را بر عهده می‌گیرم باور کرده است؟ مگر در کتاب‌های ابراهیم و موسی این حقیقت بیان نشده است که برای انسان جز آنچه برای به دست آوردنش تلاش کرده است چیزی نیست؟ و این که تلاشش در قیامت- که دیری نمی‌گذرد- مشاهده خواهد شد، سپس در برابر عملش کاملترین سزا را به او خواهند داد، و این که همه چیز به پروردگارت منتهی می‌شود، و این که تنها اوست که خندیدن و گریستن را در آدمیان پدید آورده است، و این که تنها اوست که میرانده و حیات بخشیده است، و این که خداست که دو گونه نر و ماده را آفریده است، از نطفه، آن گاه که در رحم ریخته می‌شود، و این که آفرینش دیگر (پدید آوردن سرای آخرت) بر عهده اوست، و این که اوست که توانگری داده و دولت و مکنت بخشیده است، و این که اوست پروردگار ستاره «شعری».

بنابراین با توجه به آیات یادشده، می‌توان برای «آلاء» معنای قدرت نمایی خدای تعالی در هلاک کردن اقوام قدرتمند، اما کافر و گناهکار، دانست، و یا کارهای شگفت‌انگیز الهی در عالم آفرینش و در ارتباط با بندگان، خواه عذاب کردن اقوام قدرتمند، یا الطاف و نعمتهای شگفت‌انگیز الهی نسبت به بندگان، در نظر گرفت.

گفتنی است که برخی مفسران در تفسیر آیه نجم، به سیاق آیه توجه کرده و توجیهات به نظر تکلف آمیزی در باره «آلاء» ارائه داده‌اند. به نظر فخر رازی «آلاء» در این سوره به نعمتهای یاد شده در آیات پیشین، یعنی آفرینش انسان از نطفه و نفخ روح

در آن و ثروتمند کردن انسان (أغنى و أقتنى) اشاره دارد، و این که هر کس نسبت به نعمتهای الهی کفران ورزد، مانند قوم عاد و ثمود و نوح و لوط خداوند او را هلاک خواهد کرد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۹: ۲۸۵) اما به نظر بیضاوی، خداوند عذابهای نازل شده بر اقوام عاد و ثمود و نوح و لوط را از آن جهت آلاء شمرده است که در آنها عبرت و بازدارندگی برای عبرت گیرندگان است. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵: ۱۶۲؛ نیز نک: مکارم، ۱۳۷۱، ۲۲: ۵۷۲). این عاشور نیز در دیدگاهی متفاوت نسبت به سایر مفسران، با توجه به خطاب این آیه شریفه به پیامبر (آلاء رَبِّكَ تَتَمَارَى) مقصود از آلاء در این آیه شریفه را نعمت نبوت و رؤیت جبرئیل دانسته است. گویا به نظر وی، مشرکان در صدد بودند پیامبر را نسبت به دیدن جبرئیل به شک بیاندازند (نک: نجم: ۱۲) و خداوند در این آیه شریفه به پیامبر خطاب می کند که نسبت به کدام یک از نعمتهای الهی (نبوت یا رؤیت جبرئیل) شک می ورزی؟! (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۷: ۱۵۴)

دومین کاربرد این واژه در سوره اعراف و در سیاق قصه قوم عاد و ثمود، دو قوم قدرتمند بشری، که در سوره نجم هم از هلاک و نابودی آنان یاد شده بود، آمده است. در آیه نخست، از ارسال حضرت هود به سوی قوم عاد و دعوت آنان به یکتاپرستی سخن گفته، اما قوم عاد، هود را سفیه معرفی کرده او را تکذیب می کنند، و هود با نفی سفاهت، خود را رسول پروردگار و ناصح آنها معرفی کرده می گوید:

«أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (اعراف: ۶۹)؛ آیا در شگفتید از اینکه اندرزی از جانب پروردگارتان توسط مردی از خودتان برای شما رسیده است که شما را هشدار دهد؟ به یاد آورید زمانی را که پس از قوم نوح [خدا] شما را جانشین [آنان] قرار داد و تناوری شما را در آفرینش افزود؛ پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، بسا که رستگار شوید.

چنانکه از سیاق آیه شریفه پیداست، در اینجا اموری مانند تنومندی و قدرت جسمانی فوق العاده قوم عاد، همراه با جانشینی از قوم نوح، که همگی بر اثر سیل هلاک شدند، و نزول وحی بر یکی از مردانشان، به عنوان آلاء خداوند معرفی شده است. امور و کارهای شگفت انگیزی که نشانه های روشنی از قدرتمندی خدای متعال و لطف و احسانش ویژه اش نسبت به قوم عاد می باشد.

عین همین سیاق را در مورد بعدی مشاهده می کنیم که در باره قوم ثمود است. خداوند حضرت صالح را به سوی قوم ثمود می فرستد تا آنان را به توحید و عبادت خداوند دعوت کند، و شتری را هم به عنوان معجزه به آنان نشان می دهد تا نشانه آشکاری بر صداقت صالح باشد، سپس صالح به قوم خود خطاب می کند:

«وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخِفُّونَ مِنْ سُهُولِهَا فَضُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۷۴)؛ و به یاد آرید زمانی را که [خدا] شما را پس از قوم عاد جانشین [آنها] قرار داد و در این سرزمین مستقر ساخت که در دشتهایش قصرهایی بنا می کنید و کوهستانها را برای ساختن خانه ها می تراشید؛ پس نعمتهای خدا را با یاد آرید و در زمین تبهکارانه سرکشی نکنید.

در این آیه شریفه نیز امور و کارهای شگفت انگیزی همانند تراشیدن کوهها برای خانه، و بناکردن قصرهایی در دشتها و جانشینی قوم عاد، بعد از هلاکت آنها را، که همگی از نشانه های روشنی از قدرتمندی و الطاف ویژه خداوند به قوم صالح بوده، «آلاء» خدا معرفی کرده است.

و مورد آخر با کاربرد ۳۱ مرتبه این واژه در سوره الرحمن مواجهیم. نخستین کاربرد «آلاء» در آیه ۱۳ این سوره است، بعد از یادکردن از نعمتهای بزرگ الهی چون: تعلیم قرآن، آفرینش انسان، تعلیم قدرت بیان به انسان، خورشید و ماه را به گونه ای قراردادن تا وسیله ای برای حساب و شمارش ایام باشند، تسلیم و رام بودن ستارگان و گیاهان و درختان، برافراشتن آسمان و وسیله سنجش را، اعم از سنجش امور مادی و معنوی و گفتاری و کرداری را در اختیار انسان قرار دادن (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰،

۱۹: ۹۷)، زمین را برای زندگی آدمیان و جنیان قرارداد (نک: همانجا)، و انواع میوه‌ها، غلات، حبوبات، سبزیجات و... را در آن روایند. این همه نعمتهای بزرگی است که خدای مهربان در زمین در و برای زندگی و تکامل انسان در اختیار وی نهاده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يُحْسِبَانِ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱-۱۳)

بنابر این «آلاء» در آیه ۱۳ سوره به این نعمتهای بزرگ الهی نسبت به انسان و جن اشاره داد. در آیه دو آیه بعد از آفرینش انسان از گل خشکیده، همچون سُفال و آفرینش جن از شعله آتش یاد کرده و آن دو را آلاء پروردگار شمرده است. دو قیدی که در این دو آیه به آن اشاره شده، یعنی گل خشک همانند سُفال، و شعله آتش، ناظر به شگفت‌انگیزی آفرینش انسان و جن دارد، بنابراین خدای متعال در حقیقت این دو کار شگفت‌انگیز خود را به یاد آدمی می‌آورد و آن را از آلاء پروردگار می‌شمرد، نه نعمت بودن این دو برای انسان جن:

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱۴-۱۶)

در آیه بعد خداوند را پروردگار دو مشرق و دو مغرب معرفی کرده سپس انس و جن را مخاطب می‌سازد که کدام یک از آلاء پروردگار را تکذیب می‌کنید: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱۷-۱۸) مقصود از دو مشرق و دو مغرب، مشرق تابستان و زمستان است که بر اثر آن فصول مختلف سال شکل می‌گیرد و ارزاق انسانها با تغییرات آب و هوایی حاصل از دو مشرق و دو مغرب یادشده تنظیم می‌گردد، یا مقصود، طلوع و غروب خورشید و ماه است که گردش شبانه‌روز و ماه و سال و تغییرات آنها به وجود می‌آید و این همه بدون تردید نعمتهایی برای بشر است. در دو آیه بعد از درآمیختن دو دریای شور و شیرین یاد شده که با هم برخورد می‌کنند، اما هیچ یک به دیگری تجاوز نکرده و میان آندو برزخی ایجاد می‌شود که مانع است از اینکه دریای شور شیرین گردد یا دریای شیرین شور گردد، سپس این امر شگفت‌انگیزی یکی از آلاء پروردگار معرفی شده است که انسان و جن از آن غفلت دارند:

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۱۹-۲۱)

آیه بعد در ادامه دو آیه قبل خبر می‌دهد که از آن دو دریای شور و شیرین مروارید و مرجان صید می‌شود و بیرون می‌آید: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۲۲-۲۳). بیرون آمدن مروارید و مرجان از دریا اگر چه از گوهرهای گرانبها و مایه زینت برای آدمیان است، اما ذکر آنها در اینجا بیش از آنکه ناظر به نعمت بودن آنها باشد، ناظر به شگفت‌انگیزی آنهاست، زیرا عده کمی از مخاطبان و مردم از این دو زینتی گرانبها بهره می‌برند. به همین دلیل فخررازی (۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۳۵۲) در ذیل این آیه شریفه با بیان این سؤال که «چه نعمت بزرگی در لؤلؤ و مرجان نهفته است که خدای تعالی در کنار نعمتهای عظیمی چون تعلیم قرآن و آفرینش انسان، از این دو هم یاد کرده است؟ وی دو پاسخ می‌دهد. پاسخ دوم او این است که ذکر این دو شیء زینتی که از دریا صید می‌شود، بیان آفریده‌های شگفت‌انگیز خدای تعالی است، نه بیان نعمتهای او... زیرا آفرینش انسان از سُفال (صلصال) و آفرینش جن از آتش، از باب عجائب و شگفتی‌هاست نه نعمتها و اگر خدای تعالی فقط آفرینش انسان را یاد کرده بود، از هر چه که باشد، از باب بیان نعمت می‌بود.»

در آیه بعد از کشتیهایی یاد شده که در همانند کوهها به حرکت در می‌آیند:

«وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۲۴-۲۵). اینکه کشتیهایی غول‌پیکر، همچون کوه، به آسانی، و با یک بادبان، بر روی دریاها به حرکت درآیند، و آن همه منافع را برای بشر به ارمغان آورند، نیز بیش از آنکه به نعمت بودن آنها برای بشر نظر باشد، به خارق‌العادگی، شگفت‌انگیزی و نشانه قدرت خداوند بودن آن نظر است. البته جنبه نعمت بودن آن نیز هرگز پوشیده یا مورد انکار نیست. در آیات بعد از فانی بودن و شدن همه موجودات روی زمین و بقای ذات پروردگار ذوالجلال دارای شکوه و کرامت یادشده. این دو امر نیز از عجایب خلقت و نشانه قدرت بزرگ خداوند می‌تواند تلقی شود:

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَإِنْ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۲۶-۲۸)

در آیه بعد، از این مطلب بسیار مهم سخن به میان آمده که همه مخلوقات موجود در آسمانها و زمین نیازهای خود را از پروردگار صاحب شکوه و کرامت درخواست می‌کنند، او هر روز در شأنی است، گروهی را بالا می‌آورد، گروه دیگری را پایین می‌آورد، اندوهی را برطرف می‌کند، (نک: بحرانی، ۱۴۱۵، ۵: ۲۳۵) فقیری را ثروتمند می‌کند، ثروتمندی را فقیر می‌کند و...: «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۲۹-۳۰). روشن است که موضوع این آیه شریفه نیز بیان شگفتیهای آفرینش سنتهای الهی است که در پیش روی بشر می‌باشد و هر روز آن را در باره خود و دیگران مشاهده می‌کند. روایتی از امام امیرالمؤمنین علی (ع) شاهد روشنی بر شگفتانگیز بودن مضمون این آیه شریفه است. از ایشان نقل شده در خطبه ای خدای را چنین سپاس گفت: «سپاس خدایی را که نمی‌میرد و عجایب و شگفتیهای او به پایان نمی‌رسد، زیرا که او هر روز در شانی از حوادث تازه و جدید است که قبلاً نبوده است». (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۴۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۵: ۱۹۳)

آیات بعد، با مضمون هشدار به انس و جن، باز ارتباطی با نعمتهای الهی ندارد، اما با قدرت عظیم الهی و پدیده‌های شگفتانگیز عالم خلقت در ارتباط است. بزودی ما خود را برای رسیدگی به حساب شما فارغ خواهیم کرد، اگر می‌تواند از نواحی آسمانها و زمین خارج شوید و از قضای الهی و مرگ فرار کنید، اما نمی‌توانید مگر با اینکه خداوند مکان دیگری بیافریند و شما را به آن منتقل کند، و هرگز چنین امکانی به شما داده نمی‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۳۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۴۴۹): «سَنُفْرِغُ لَكُمْ آيَةَ الْقَلَانِ فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُتُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُتُوا لَا تَنْفُتُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (۳۱-۳۴)

آیات بعد، به حوادثی مربوط به قیامت و عذاب گناهکاران، و پس از به بیان پادشاهای متنوع نیکوکاران پرداخته است. اموری که نه تنها ارتباطی با نعمتهای الهی ندارد، بلکه در نقطه مقابل نعمت، به نعمت و مجازات، یا پاداش الهی مربوط است. در این بخش که شامل ۲۲ آیه و ۲۱ حادثه مهم و بزرگ مربوط به قیامت و پادشاهای متنوع الهی به نیکوکاران است، ۲۱ بار آیه شریفه «فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» تکرار شده است. گویی خداوند با تکیه بر کارها و امور شگفتانگیز و مظاهر قدرت نمایی خود که در آیات گذشته بیان داشت، و همه در معرض دید و تجربه بشر است، به بیان پاره ای از امور غیبی مربوط به عالم آخرت و پاداش‌های الهی به نیکوکاران منتقل شده و این امور را بسیار شگفتانگیز و جلوه‌هایی از قدرت الهی شمرده است:

خداوند شعله‌های از آتش بدون دود و دود (نحاس) یا مس گداخته به سوی شما می‌فرستد و کسی نمی‌تواند شما را یاری کند: «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْطٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (۳۵)، هنگامی که آسمان در آستانه برپایی قیامت بشکافد و همانند چرم سرخ گردد: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» (۳۷)

در آن روز، از هیچ انسان و جنی از گناهش سؤال نمی‌شود، چرا که خدای تعالی به آن کاملاً آگاه است: «يَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لَا جَانٌّ» (۳۹)

در آن روز، مجرمان از روی چهره‌شان شناخته می‌شوند و با موی جلو سر و قدمهایشان گرفته می‌شوند: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ» (۴۱)

به آنها می‌گویند: این همان جهنمی است که مجرمان آن را دروغ می‌پنداشتند، در آنجا میان آتش و آب داغ در حرکتند: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» (۴۳-۴۴)

و برای هرکسی که خوف خدا به دل داشته باشد، دو بهشت است: «وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ» (۴۶)

آن دو بهشت دارای انواع درختان با شاخ و برگهای باطراوتند: «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» (۴۸)

در آن دو، دو چشمه همیشه جاری است: «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (۵۰)

در آن بهشت، از هر میوه دو گونه شبیه به هم است: «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (۵۲)

اهل بهشت روی فرشها به پشتیهای که از ابریشم است، تکیه میزنند و انواع میوه بهشتی در دسترس آنهاست: «مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» (۵۴)

که در آن زنهای پاکدامن چشم از دیگران فرو هشته و دستی از جن و انس بآنها نرسیده: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (۵۶)

که آن زنان به زیبایی گوئی یاقوتند و مرجان: «كَأَنَّھُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» (۵۸)

آیا نیکی را جز به نیکی پاداش دهند؟ «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (۶۰)

و بالاتر از آن دو بهشت، دو بهشت دیگر است: «و مِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (۶۲)

درختان آن دو بهشت در نهایت سبز و خرمی است: «مُدْهَامَّتَانِ» (۶۴)

در آن دو، دو چشمه جوشان است: «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَصَّاحَتَانِ» (۶۶)

در آن دو بهشت درختان میوه و خرما و انار است: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُءْمَانٌ» (۶۸)

در آن جا نکوخواهیان زیباروی هستند: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» (۷۰)

حوریانی پرده نشین در خیمه‌ها: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (۷۲)

دست احدی از انس و جن قبلاً به آنها نرسیده است: «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (۷۴)

آن بهشتیان بر بالشهایی سبزرنگ و فرشهایی فاخر نشسته‌اند: «مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَ عَبَقَرِيِّ حِسَانٍ» (۷۶)

دیدگاه فراهی در معنای «آلاء»

چنانکه اشاره شد، عموم مفسران واژه «آلاء» در سرتاسر قرآن کریم را به نعمتها معنا کرده‌اند. با این حال، طبری (۱۴۱۲، ۲۷: ۸۳) این واژه را فقط در آیه ۲۹ سوره الرحمن به قدرت معنا کرده است. نیز مدرسی در من هدی القرآن (۱۴۱۹، ۱۴: ۱۹۶) «آلاء» در سوره نجم را به آیات معنا کرده است. اما در دوره معاصر برای نخستین بار، عبدالحمید فراهی مفسر شبه قاره هند، با رد نظر مفسران، با تکیه به سخن عرب و خود قرآن کریم، واژه «آلاء» را به «شگفتی‌های الطاف خدای تعالی و حمله و قدرت خداوند معنا کرده که نعمت تنها یکی از مصادیق الطاف شگفت‌انگیز و قدرت نمایی خداوند می‌تواند باشد». به نظر فراهی، از آنجا که رحمت یکی از شؤون غالبی رب است، بعداً کاربرد واژه «آلاء» در معنای نعمتها غلبه یافته است. (فراهی، ۲۰۰۲: ۶۹)

فراهی برای این معنایی که برای «آلاء» پیشنهاد داده به اشعاری از عرب جاهلی و آیات قرآن، به ویژه آیه سوره نجم و آیات ۳۳ تا ۴۵ سوره الرحمن، که ناظر به حوادث آستانه قیامت و پس از آن، مثل عذاب تکذیب کنندگان در جهنم می‌باشد استناد کرده است. (فراهی: همانجا)

فراهی برای اثبات معنای پیشنهادی خود، همچنین به ابیاتی از اشعار جاهلی استناد کرده از جمله سه شعر زیر. در شعری از فضالہ بن زید عدوانی آمده است:

و فی الفقرِ ذُلٌّ لِلرَّقَابِ وَ قَلَمًا رَأَيْتُ فَقِيرًا غَيْرَ نُكْسٍ مُدَمَّمٍ
يُلَامُ وَ إِن كَانَ الصَّوَابُ بِكَفِّهِ وَ يُحْمَدُ آلَاءُ الْبَخِيلِ الْمُدْرَمِ

(نک: فراهی، همان: ۷۰)

فقر موجب خواری انسانها می شود و گردنهای را خوار و کج می کند. و من خیلی کم فقری را دیده ام که سرشکسته و نکوهیده نباشد. فقیر سرزنش می شود و اگرچه راستی و درستی در دست داشته باشد، و در مقابل، صفات و کارهای بخیل ثروتمند، ستوده می شود.

در این شعر به قرینه «یُلامُ» سرزنش کردن و «یُحَمَدُ» مدح و ستایش کردن، مقصود از «آلاء بخیل» صفات و رفتار وی می باشد، نه نعمت های بزرگی که به دیگران می دهد، زیرا فرض بر این است که بخیل بخل می ورزد و نعمتی به دیگری نمی دهد.

إِذَا مَا أَمْرُ أَثْنَى بِآلَاءِ مَيِّتٍ فَلَا يَبْعُدُ اللَّهُ الْوَلِيدَ بَنِ أَدْهَمَا
فَمَا كَانَ مِفْرَاحًا إِذَا الْخَيْرُ مَسَّهُ وَلَا كَانَ مَنَانًا إِذَا هُوَ أَنْعَمَا

(نک: فراهی، همان: ۷۱)

هنگامی که مردی صفات و ویژگیهای مرده را می ستاید و مدح می کند، خدا ولید بن ادهم را دور نگرداند از این ثنا و ستایش. چرا که هرگاه خبری به ولید بن ادهم برسد سرخوش و مغرور نمی شود و هنگامی که به دیگری نعمتی ببخشد هرگز بر او منت نمی گذارد.

در این بیت نیز به قرینه بیت دوم، یعنی سرخوش و مغرور نشدن و منت نگذاشتن به هنگام بخشش به دیگری، مقصود از «آلاء» در بیت نخست، صفات و خصال نیک است، نه نعمتهای بزرگ. (نک: فراهی، همان: ۷۰-۷۱)

بیت سوم از خنساء است، شاعر مخضرمی که در جاهلیت در رثای برادرش صخر سروده است:

فَبِكَيْ أَخَاكِ لَأَلَاءَهُ إِذَا الْمَجْدُ ضَيَّعَهُ السَّائِسُونَا

(نک: فراهی، همان: ۷۰)

ای خنساء! بر برادرت گریه کن، به جهت خصال و صفات نیکش چون مجد و بزرگواری، هنگامی که مهتران بزرگواری را تباه کردند.

در این بیت به قرینه، «المجد»، مقصود از «آلاء» خصال نیکی چون مجد و بزرگواری است که به نظر شاعر، این خصلت در برادرش به طور بارز وجود داشته و دیگر مهتران قوم به آن وفادار نبودند.

فراهی همچنین به جوهری اشکال می کند که وی کلمه «آلاء» در بیت فوق را در ماده کلمه «بیع» که آورده و به آن استشهاد کرده، به معنای خصال و صفات نیک معنا کرده، اما همین بیت را هنگامی که ذیل ماده «ألی»، برای بیان معنای «آلاء» مورد استشهاد قرار داده، معنای قبلی را فراموش کرده و آن را به «نعمتها» معنا کرده است. (نک: جوهری، ۱۳۷۶، ۳: ۱۱۸۹، و مقایسه کنید با: همان، ۶: ۲۲۷۰)

ارزیابی دیدگاه فراهی

به نظر محمد اجمل اصلاحی، محقق و شارح دست نوشته های فراهی، معنایی که فراهی برای «آلاء» کشف کرده یک فتح علمی در مطالعه زبان قرآن و تاریخ لغت نامه های عربی است و اگر تحقیقات فراهی در حوزه واژه پژوهی قرآنی هیچ دستاورد دیگری جز فهم صحیح این واژه نداشت، برای اثبات جایگاه فراهی کافی بود. (فراهی، همان: ۷۱) با این حال در ارزیابی دیدگاه

فراهی باید گفت معنای وی برای واژه «آلاء»، یعنی الطاف شگفت‌انگیز و قدرت و غلبه الهی، اگرچه مطابق بیان وی مبتنی بر کاربرد آن در شعر جاهلی و قرآن کریم بوده و با سیاق آیات قرآن سازگاری دارد، اما دارای کاستیهایی است. در نقد وی باید گفت که به نظر می‌رسد معنایی پیشنهادی وی، اولاً با شواهد شعری عربی تطابق کامل ندارد. به عبارت دیگر معنایی که در فرهنگ عرب کاربرد شایعی دارد، یعنی خصال و صفات مهم و بزرگ فرد را در معنای قرآنی آن ندیده است؛ زیرا در ۵ بیت شعری که وی به آن استناد کرده، معنای «خصال و صفات نیک» و گاه صفات و ویژگیهای فرد، شامل صفات ممدوح و مذمومش، مانند صفات بخیل در شعر دوم، دیده می‌شود، و معنای «لطف و قدرت و غلبه شگفت‌انگیز الهی» در هیچ یک از ابیات مورد استشهاد دیده نمی‌شود، بنابراین معنای یادشده یک معنای کاملاً قرآنی و برآمده از کاربرد این واژه در قرآن کریم است.

ثانیاً معنای بیان شده توسط وی با آیات شریفه قرآن نیز سازگاری کامل ندارد، زیرا وی «آلاء» را به معنای الطاف شگفت‌انگیز و غلبه و اعمال قدرت خداوند دانسته است، در حالی که مطابق سیاق برخی آیات سوره الرحمن، مانند آیات ۳۱ تا ۴۷، «آلاء» نمی‌تواند به معنای الطاف شگفت‌انگیز الهی باشد، حال آنکه اگر فراهی به جای الطاف شگفت‌انگیز...، معنای اصلی «آلاء» را «کارها یا امور شگفت‌انگیز و عظیم الهی» معرفی می‌کرد، به همه کاربردهای فرهنگ عربی و آیات قرآن کریم سازگاری می‌داشت و هر یک از نعمتهای عظیم الهی، غلبه و اعمال قدرت خداوند، خصال نیک و قابل ثنای الهی و جز اینها می‌تواند مصداق و جلوه ای از کارها یا امور شگفت‌انگیز و عظیم الهی باشد.

تحول در معنای «آلاء»

در تحلیل لغوی واژه «آلاء» اشاره شد که اگر واژه «آلاء» از «آلاء» گرفته شده باشد، در آن معنای تعجب برانگیزی و خصلت‌های نیک، و اگر از «الیه» گرفته شده باشد معنای عظمت و بزرگی در آن نهفته است. از آنجا که کاربرد مکرر این واژه در سوره الرحمن، در چند آیه با نعمتهای بزرگ و شگفت‌انگیز الهی مقرون شده است، به تدریج در عرف مسلمانان واژه «آلاء» از میان طیف گسترده معنایی اش، به معنای نعمتها، آنهم نعمتهای بزرگ الهی نسبت به انسان منتقل شده و غلبه یافته است و مفرد آن به واژه ناشناخته «إلا»، «إلی»، «إلو» و نظیر اینها، با کاربردی اندک و معنایی نه کاملاً روشن، در نظر گرفته شده و مسلم انگاشته شده است.

معنای «آلاء» در حدیث

واژه «آلاء» به طور گسترده در روایات اهل بیت (ع) نیز به کار رفته و دارای معنایی چندپهلوسست، و بر معانی یا مصادیق مختلف قابل تطبیق و تفسیر است. بنابر این به نظر می‌رسد که کاربرد «آلاء» در احادیث علاوه بر این که با کاربرد این واژه در قرآن کریم همسواست، تکمیل کننده و روشن کننده معنای قرآنی این واژه هم هست. پیشتر بیان شد که در روایتی از امام علی (ع) که در آن به آیه شریفه ۲۹ الرحمن استناد شده، به معنای شگفت‌انگیزی تصریح شده است. علاوه بر این، در روایتی از امام صادق (ع)، «آلاء» به نعمتها، تفسیر شده است:

۱. عن إبراهيم بن عمر عن عمن ذكره عن أبي عبد الله ع في قول الله «وَوَدَّعَزَّوَجَلَّ بِأَيَّامِ اللَّهِ» قال: بِالْأَلَاءِ يعني نعمه. (عباشی، ۱۳۸۰، ۲: ۲۲۲)

در این روایت، امام (ع) «أَيَّامُ اللَّهِ» را به «آلاء الله» و «آلاء» را به نعمتهای الهی تفسیر کرده‌اند. دیدگاه مشهوری در تفسیر آیه شریفه، مقصود از «أَيَّامُ اللَّهِ» را روزهای انتقام الهی و نزول عذاب بر اقوام کفرپیشه گذشته می‌داند. برخی نیز مقصود از آن را سنت‌ها و افعال جاری الهی در میان بندگان، اعم از انعام و انتقام گرفته‌اند. (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۴۶۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۵۴۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۱۹: ۶۴)

در روایت دیگری از آن حضرت به عظیم‌ترین نعمت الهی، یعنی ولایت اهل بیت، تفسیر شده است:

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمُهورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْبَرَّازِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ هَذِهِ الْآيَةَ- فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ قَالَ أ تَدْرِي مَا آلَاءُ اللَّهِ فُلْتُ لَا قَالَ هِيَ أَعْظَمُ نِعَمِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هِيَ وَلَا يَتَنَدَّ. (كلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۱۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۸۱)

در یک روایت هم واژه «آلاء» با واژه «الحامدین» هم‌نشین شده است. با توجه به این که «حامد» گاه به معنای مدح کننده می‌باشد، واژه «آلاء» در این روایت قابل تفسیر به صفات جمال الهی (خصال خیر) است:

«... وَ كُنْ لِرَبِّكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِهِ مِنَ الْحَامِدِينَ وَ لِأَوْلِيَائِهِ مِنَ الْمُطِيعِينَ» (مفضل، بی تا: ۱۸۲)

در روایات فراوانی هم «آلاء» با واژه «نعماء» هم‌نشین شده است که اگر از قبیل ذکر عام بعد از خاص بگیریم، باز آلاء به معنای نعمتهای بزرگ الهی خواهد بود. از جمله: «... فَتَبَارَكَ مَنْ تَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ وَ لَا تُحْصَى نِعْمَاؤُهُ...» (مفضل، بی تا: ۷۰)، و: «... أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ (ع) ذِكْرَ عِبَادِي مِنْ آلَائِي وَ نِعْمَائِي...» (منسوب به امام جعفر صادق، ۱۴۰۰: ۱۷۴)

بنابراین در روایات اهل بیت (ع) واژه «آلاء» هم قابل تفسیر به امور یا نعمت‌های شگفت‌انگیز الهی، یا صفات و خصال الهی است، و هم در معنای نعمتهای عظیم و بزرگ الهی به کار رفته و در موارد فراوانی با واژه «نعماء»، که به عموم نعمتهای الهی اشاره دارد، هم‌نشین شده است.

نتیجه

با بررسی لغوی، و قرآنی و روایی که در باره واژه «آلاء» انجام گرفت، این نتایج به دست آمد:

۱. برخلاف نظر مفسران و لغویان که «آلاء» به معنی نعمتها را جمع «ألی»، «ألا»، و نظیر اینها گرفته‌اند، در لغت اطمینان کاملی به اینکه واژه یادشده جمع «إلی» یا «ألا» و... باشد وجود ندارد و شواهد زبانی روشن و اطمینان بخشی هم برای آن ذکر نشده است. این احتمال وجود دارد که «آلاء» برگرفته از «ألیه» یا «ألاء» بوده و در آن معنای عظمت و تعجب برانگیزی نهفته است. در اشعار متعدد نیز در معنای خصال یک فرد، به ویژه خصال نیک وی به کار رفته است.
۲. با بررسی که در سیاق آیات ۳۴ گانه مشتمل بر «آلاء» انجام گرفت، کمتر این واژه به نعمتهای الهی نظر دارد، اما معنای «کارها و امور شگفت‌انگیز الهی» شامل نعمتهای بزرگ و الطاف شگفت‌انگیز الهی، غلبه و قدرت‌نمایی به ویژه در هلاکت افراد و اقوام بسیار قدرتمند، نزول عذاب در دنیا بر اقوام ستمگر و عذاب الهی در آخرت برای گناهکاران، پاداش‌های شگفت‌انگیز و وصف ناپذیر الهی برای نیکوکاران و خصال نیک و بزرگ الهی، سازگاری کامل با کاربردهای قرآنی این واژه دارد.
۳. در روایات اهل بیت (ع) نیز واژه «آلاء» صریحا به نعمتهای بزرگی الهی معنا و بر ولایت اهل بیت (ع) تطبیق داده شده است، به علاوه در پاره ای روایات در معنای ۱. شگفت‌انگیزی در الطاف و کارهای الهی، ۲. خصال نیک نیز به کار رفته است. بنابراین معنای «نعمتها» برای این واژه قرآنی معنای غیردقیق و ناسازگار با کاربردهای قرآنی آن و سیاق آیات شریفه است.
۴. قابل انکار نیست که در فرهنگ اسلامی این واژه دچار تحول معنا شده و با نادیده گرفتن سیاق آیات، در معنای عمومی نعمتها تلقی شده و به کار رفته است.

منابع

- [۱] ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱)، **المحكم و المحيط الأعظم**، محقق / مصحح: هنداوی، عبدالحمید، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۲] ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰). **التحریر و التنویر**، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- [۳] ابن عطیة؛ عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲). **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۴] ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴). **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.
- [۵] ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱). **تهذیب اللغة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۶] آقایی، سیدعلی، (۱۳۸۸). **انسجام قران از نظریه تا عمل: مقایسه روش تفسیری فراهی _ اصلاحی و حوی**، کتاب ماه دین، ش ۱۴۴، ص ۷۲-۷۹.
- [۷] بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، (بی تا). **التفسیر البیان للقرآن الکریم**، قاهره، دارالمعارف.
- [۸] بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۹] پاکتچی، احمد (۱۳۸۷)، **آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر**، نامه پژوهش، س ۹ (۳)، ص ۸۹ - ۱۲۰.
- [۱۰] پالم، فرانک ر (۱۳۷۴): **نگاهی تازه به معنی شناسی**، ترجمه: کورش صفوی، تهران، کتاب ماد.
- [۱۱] جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶). **تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت، دار للملایین.
- [۱۲] حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵). **نور الثقلین**، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
- [۱۳] خولی، امین، (۱۹۳۳). **التفسیر**، دایرة المعارف الاسلامیة، ج ۵، بیروت، دارالمعرفه.
- [۱۴] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دارالقلم.
- [۱۵] ربیعی آستانه، مسعود (۱۳۸۳): **فصلنامه پژوهشهای قرآنی**، ۳۷ و ۳۸: ۲۵۱ - ۲۷۷.
- [۱۶] زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس**، محقق/مصحح: علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- [۱۷] زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۱۸] سجادی، سید ابوالفضل، شهبازی، محمود، محبی، سحر (۱۴۰۲): **معناشناسی واژه قضا در قرآن کریم**، ۱ (۱)، ص ۵۵ - ۷۵.
- [۱۹] صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴)، **المحیط فی اللغة**، محقق / مصحح: آل یاسین، محمد حسن، بیروت، عالم الکتب.
- [۲۰] صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴). **بصار الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)**، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- [۲۱] طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۲] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
- [۲۳] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲). **تفسیر جوامع الجامع**، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- [۲۴] طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه.
- [۲۵] طیب حسینی، سید محمود (۱۳۸۷). **امین خولی و مؤلفه‌های تفسیر ادبی**، مشکوه، ش ۹۹، ص ۲۴-۴۵.
- [۲۶] عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، **تفسیر العیاشی**، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- [۲۷] فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰). **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۸] فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰). **معانی القرآن**، قاهره، الهیئة المصریة العامه للكتاب.
- [۲۹] فراهی، عبد الحمید، (۲۰۰۲). **مفردات القرآن (نظرات جدیدة فی تفسیر الفاظ قرآنیة)**، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- [۳۰] فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹). **کتاب العین**، قم، نشر هجرت.
- [۳۱] فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- [۳۲] قرشی، علی اکبر، **احسن الحدیث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- [۳۳] قرطبی، **جامع الاحکام القرآن**، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- [۳۴] قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۳ش.
- [۳۵] کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۳۶] مدرسی، محمد تقی، (۱۴۱۹). **من هدی القرآن**، تهران، دارمحبی الحسین.
- [۳۷] مفضل بن عمر، (بی تا). **توحید المفضل**، قم، داوری.
- [۳۸] مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- [۳۹] منسوب به جعفر بن محمد، (۱۴۰۰). **مصباح الشریعه**، بیروت، اعلمی.
- [۴۰] موسی، حسین یوسف، (۱۴۱۰). **الافصاح فی فقه اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.